معلمی که کلیه خود را به پدر شاگردش اهدا کرد

بازخوانی یک گفت‌وگو به بهانه درگذشت استاد «محمدحسن حسن‌پور»

در روزهای پایانی مهرماه، ماهی که یادآور مدرسه و کلاس درس است، مرد بزرگی به آسمان پر کشید که تمام زندگی خود را عاشقانه و مجاهدانه وقف تعلیم و تربیت خلاقانه فرزندان این سرزمین کرد. استاد «محمدحسن حسن‌پور» به معنی واقعی یک معلم عاشق بود که در کنار ابداع سبک‌های نوین آموزشی و تألیف کتاب‌های درسی تا آخر عمر بیش از ۷۰ ساله خود از محیط مدرسه جدا نشد.

استاد حسن‌پور با روح بزرگ و شخصیتی کم‌نظیر و کارهای خیری که از خود به یادگار گذاشت، به معنی واقعی مصداق یک معلم نه تنها برای شاگردانش بلکه برای همه بود. به بهانه نزدیک شدن به چهلمین روز درگذشت این معلم مجاهد بر اثر ابتلا به کرونا مناسب دیدیم تا گفت‌وگوی خبرگزاری فارس با وی که اردیبهشت سال ۹۸ به مناسبت روز معلم انجام شده است را باز نشر کنیم؛ روحش شاد و یادش گرامی‌باد.

* * *

دنیای معلم‌ها دنیای عجیبی است، سینه‌شان صندوقچه رازهای مگوست، رازهایی مگو از شاگردانی که معلم‌ها مثل پدر، برادر یا مادر و خواهر بوده‌اند برایشان و یک دل سیر پای درد و دل‌های آنها نشسته‌اند، اما بعضی رازها باید برملا شود تا تاییدی باشد بر عیار بالای مهربانی و ایثارمعلم‌ها، ۲۱ سال زمان مناسبی است برای آنکه مهم‌ترین راز مگوی معلمی ۷۱ ساله را از صندوقچه اسرارش بیرون بکشیم و آن را بلند بلند جار بزنیم.

«محمدحسن حسن‌پور» ۲۱ سال قبل برای نجات پدر شاگردش از جانش مایه گذاشت و کلیه‌اش را به او داد. پنهانی و دور از چشم خانواده؛ اما اهدای کلیه فقط بهانه‌ای برای همنشینی ما با استاد حسن‌پور بود. او خاطرات نابی دارد از یتیم‌خانه آیت‌الله فیروزآبادی، معلمی برای بچه‌های بی‌سرپرست بهزیستی و ماجرای رفتگران و کارگران تا مدرسه تابستانی خانگی و خاطره عموحسین علی.

قبل از تماس با او برای هماهنگی مصاحبه فکر می‌کردیم وعده دیدار ما یا خانه استاد است یا دفتر او در دانشگاه، اما او همه تصورات ما از سالمندی یک معلم را بر هم می‌زند وقتی می‌گوید:«این سال‌ها منبع زایش ذهن کودکان است، دانشگاه کار از کار گذشته، نقطه آغاز تفکر، تحلیل و خلاقیت ۶ سال اول تحصیلی است که آموزش و پرورش ما به آن بهای چندانی نمی‌دهد اما من تصمیم گرفتم به جای غرزدن خودم دست به کار شوم و از این مدرسه شروع کردم.»

*** اگر کلیه‌ام را اهدا نمی‌کردم ۶ دختر یتیم می‌شدند**

استاد حسن‌پور سال‌هاست با یک کلیه زندگی می‌کند و به‌اندازه همه این سال‌ها، دعای خیر، بدرقه راهش است. ماجرای کلیه؛ راز مگوی استاد حسن‌پور است که یکی از دوستانش برملا می‌کند و ما روز مصاحبه، لابه‌لای روایت‌های استاد دست روی این خاطره ناب می‌گذاریم. از ما اصرار و از آقا معلم انکار، اما بالاخره راضی می‌شود و از زمستان ۲۱ سال قبل می‌گوید. از آن روزهایی که چشم عقلش را به روی دل می‌بندد تا مصداق تمام عیار واژه ایثار شود؛ «یکی از روزهای سرد زمستان بود، سر کلاس درس متوجه حال بد یکی از شاگردانم شدم، چشم‌هایش خیس اشک می‌شد و برای آنکه کسی متوجه اشک‌هایش نشود سرش را پایین می‌گرفت. بعد می‌گوید:«در دبستان دخترانه‌ای در جنوب تهران منتظرتان هستم.» حدس و گمان‌ها ادامه داشت، قطعاً استادحسن‌پور که شنیده بودیم مولف ۳۴ جلد کتاب درسی آموزش و پرورش است مدیر دبستان دخترانه است، روز مصاحبه اما با دیدن استاد ۷۱ ساله در حال درس دادن به دانش‌آموزان کلاس اول دبستان، حسابی غافلگیر شدیم. با یک کیف بزرگ که برای بچه‌ها مثل چراغ جادو بود وارد کلاس می‌شود،کلاس ریاضی است و کیف معلم قصه ما پر از وسایل دست‌سازی که خودش برای یادگیری بهتر بچه‌ها درست کرده و یادگاری سال‌های ۵۰ است. انتهای کلاس استاد حسن‌پور به تماشا می‌نشینیم. این معلم با روش‌های متفاوتش ریاضی را برای کودکان سر به هوای دبستانی مثل عسل شیرین کرد.

بعد از کلاس می‌پرسیم استاد دانشگاه تربیت مدرس با این سابقه علمی پربار آن هم در ۷۱ سالگی در کلاس اول دبستان چه می‌کند؟ می‌گوید:«این سال‌ها منبع زایش ذهن کودکان است، دانشگاه کار از کار گذشته، نقطه آغاز تفکر، تحلیل و خلاقیت ۶ سال اول تحصیلی است که آموزش و پرورش ما به آن بهای چندانی نمی‌دهد اما من تصمیم گرفتم به جای غرزدن خودم دست به کار شوم و از این مدرسه شروع کردم.»

*** اگر کلیه‌ام را اهدا نمی‌کردم ۶ دختر یتیم می‌شدند**

استاد حسن‌پور سال‌هاست با یک کلیه زندگی می‌کند و به‌اندازه همه این سال‌ها، دعای خیر، بدرقه راهش است. ماجرای کلیه؛ راز مگوی استاد حسن‌پور است که یکی از دوستانش برملا می‌کند و ما روز مصاحبه، لابه‌لای روایت‌های استاد دست روی این خاطره ناب می‌گذاریم. از ما اصرار و از آقا معلم انکار، اما بالاخره راضی می‌شود و از زمستان ۲۱ سال قبل می‌گوید. از آن روزهایی که چشم عقلش را به روی دل می‌بندد تا مصداق تمام عیار واژه ایثار شود؛ «یکی از روزهای سرد زمستان بود، سر کلاس درس متوجه حال بد یکی از شاگردانم شدم، چشم‌هایش خیس اشک می‌شد و برای آنکه کسی متوجه اشک‌هایش نشود سرش را پایین می‌گرفت. بعد از کلاس دلیل ناراحتی‌اش را جویا شدم. گفت حال پدرم بد است، کلیه‌هایش ازکارافتاده و دیالیز هم بی‌فایده بوده، گفت پول خرید کلیه نداریم، نام پدرم در صف پیوند قرارگرفته اما دکترها از او قطع امید کرده و می‌گویند زنده نمی‌ماند. از اوضاع و احوال زندگی‌شان باخبر بودم. می‌دانستم ۶ دختربچه در خانه کوچک اجاره‌ای با پدر کارگری که نان بخور نمیری درمی‌آورد زندگی می‌کنند. خواب بر چشمم حرام شده بود.

تصمیم گرفتم یک کلیه‌ام را به پدر شاگردم اهدا کنم، اگر یتیم می‌شدند سرنوشت ۶ دختر قد و نیم قد چه می‌شد؟ همسرم مخالف بود، اما من در تصمیمم راسخ بودم. بعد از معاینه پزشک و آزمایش‌های مختلف مخفیانه و بدون اطلاع همسرم در بیمارستان بستری شدم و در روز مبعث کلیه‌ام را به پدر شاگردم اهدا کردم. بگذریم از درد بی‌امان بعد از عمل و خواب معنوی و شفایی که گرفتم. ۲۱ سال از آن اتفاق می‌گذرد و من پیش خدای خودم سربلندم. عموی آن ۶ دختر شدم و تا زمان ازدواج از آنها حمایت کردم. کمک کردم تا با جهیزیه آبرومند راهی خانه بخت شوند و باور می‌کنید با دعای خیر آن خانواده حالا در ۷۱ سالگی در سلامت کامل به سر می‌برم و هیچ مشکل جسمی ندارم.»

روزهای عاشقی در یتیم‌خانه مرحوم آیت‌الله فیروزآبادی

راز حال خوب استاد حسن پور چیست که حالا در اولین سال دهه هشتم عمرش معلم کلاس اولی‌ها شده و با عشق و هیجان دوران جوانی برایشان معلمی می‌کند؟ خاطرات کتاب عمرش را که ورق می‌زند و به فصل یتیم‌خانه آیت‌الله فیروزآبادی می‌رسد می‌فهمیم حال خوب این روزهای او تصادفی نیست؛ «اوایل سال‌های دهه ۴۰ بود. شنیده بودم روحانی بزرگ‌منشی به نام آیت‌الله فیروزآبادی [سیدرضا فیروزآبادی (درگذشت ۱۴ مرداد ۱۳۴۴) روحانی نیکوکاری بود که تمام حقوق چهار دوره نمایندگی خود در مجلس شورای ملی را صرف امور خیریه از جمله ساخت بیمارستان و مسجد فیروزآبادی در شهرری کرد] در پشت بیمارستان فیروزآبادی شهرری یک یتیم‌خانه تأسیس کرده و بچه‌های بی‌سرپرست و یتیم در آنجا زندگی می‌کنند. دبیرستانی بودم، از مدرسه که تعطیل می‌شدم جلوی در یتیم‌خانه می‌رفتم. می‌خواستم برای بچه‌های بی‌سرپرست معلمی‌کنم. یک روز نزدیک یتیم‌خانه، آیت‌الله فیروزآبادی را دیدم، با دلهره جلو رفتم، سلام دادم و گفتم اجازه می‌دهید من به بچه‌های یتیم‌خانه شما درس بدهم؟ نگاه مهربانانه‌ای کرد و گفت اگر می‌توانی بسم‌الله.

از آن زمان همه دل‌خوشی من در اوج روزهای نوجوانی این بود که بعد از تعطیل شدن از مدرسه به یتیم‌خانه بروم. بچه‌ها با من انس گرفته بودند. برایشان شعر و قصه می‌خواندم. اعداد و ریاضی را یادشان می‌دادم. بهترین روزهای عمر من همان روزهایی بود که کنار آنها بودم. این همکاری تا سال‌ها بعد که معلم شدم ادامه پیدا کرد. در سال‌های اول معلمی بخشی از درآمدم را به بچه‌های یتیم اختصاص دادم. یک روز در هفته دستشان را می‌گرفتم و به زیارت حضرت عبدالعظیم می‌بردم. در راه برگشت برایشان اسباب‌بازی می‌خریدم. هنوز خنده‌های از ته دل بچه‌ها در آن سال‌های دور دلم را شاد می‌کند. سعی کردم دنیایشان را عوض کنم و کاری کنم تا صاحب درآمد شوند. از آقای فیروزآبادی خواستم برایشان وسایل نجاری و اره‌های کوچک تهیه کند. با آنکه سن و سال کمی داشتند اما خلاق بودند و خیلی زود توانستند با تکه‌های چوب، وسایل تزئینی بسازند. سال‌ها از آن روزها می‌گذرد و بچه‌های یتیم‌خانه آیت‌الله فیروزآبادی بزرگ شدند و جالب آنکه یکی از آنها خیر نامداری شده است.»

از مدرسه تابستانی در خانه پدری تا معلمی برای رفتگران و سربازان

عاشق معلمی بود؛ عشقی دیوانه‌وار که با راه انداختن مدرسه تابستانی در خانه پدری سرانجام گرفت، با معلمی برای رفتگران و کارگران بی‌سواد جان گرفت و به اوج رسید؛

استاد حسن‌پور در حیاط بزرگ دبستان نشسته و خاطرات سال‌های دور را با عشق روایت می‌کند؛ «از بچگی عاشق معلمی بودم و شاگرد اول کلاس، ساعت‌هایی که معلم سر کلاس نمی‌آمد، از طرف مدیر مدرسه موظف به درس دادن به بچه‌ها می‌شدم. تابستان‌ها هم خانه‌مان را تبدیل به مدرسه جمع وجور تابستانی کرده بودم، بچه‌های محل را دسته‌بندی کرده و برایشان در خانه کلاس ریاضی می‌گذاشتم، مدرسه تابستانی من در خانه‌مان آن‌قدر سروصدا راه انداخته بود که سال ۴۱، مدیر آموزشگاهی به نام پیمان نشانی ما را پیداکرده بود و درِ خانه آمد، از من خواست در آموزشگاهشان تدریس کنم و در ۱۶ سالگی اولین تدریس جدی‌ام را آغاز کردم و صاحب درآمد شدم. معلم‌ها با تعجب نگاهم می‌کردند و دل‌خوشی از من نداشتند، چون تعداد شاگردان کلاسم از شاگردان آنها بیشتر بود.»

معلم جوان دلش می‌خواست قاعده بازی روزگار را عوض کند. چشمش را به روی دل‌خوشی‌های آن زمانه و استراحت در خانه بعد از تدریس در مدرسه بست. پاشنه کفش‌هایش را ورکشید تا زمانه را تغییر دهد؛ «سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ در جنوب تهران بی‌سوادی بیداد می‌کرد. دوست داشتم همه شهر را باسواد کنم. آن زمان طرحی به نام پیکار با بی‌سوادی در حال اجرا بود. داوطلبانه جزو مجریان این طرح در جنوب تهران شدم.

یک‌به‌یک به کارخانه‌ها و کارگاه‌های شهرری رفتم. آن زمان همه کارگرها بی‌سواد بودند. با مدیر کارخانه‌ها صحبت کردم و در هفته دو یا سه روز در ساعت‌هایی مشخص آنجا می‌رفتم و سواد خواندن و نوشتن را یادشان دادم. به شهرداری که آن زمان نامش بَرزن بود رفتم و گفتم می‌خواهم به رفتگرها و کارگران شهرداری سواد خواندن و نوشتن یاد بدهم. آن سال‌ها بسیاری از رفتگران شهرداری را باسواد کردم. برای همین هم در سال‌های اول بعد از انقلاب که نهضت سوادآموزی تشکیل شد از من درخواست کردند که کتاب‌های درسی سوادآموزی را تألیف کنم و این کتاب‌ها جزو اولین تألیفات من بود.»

محمد حسن‌پور کسوت معلمی را حتی در دوران سربازی هم کنار نگذاشت و در دوران خدمت، معلم سربازان شد.

معلم یا پدر معنوی کودکان بهزیستی؟!

یتیم‌نوازی‌های استاد حسن‌پور به یتیم‌خانه آیت‌الله فیروزآبادی ختم نشد و دل پرمهرش او را به هم‌نشینی و معلمی برای کودکان بی‌سرپرست بهزیستی گره زد. سال‌هاست معلم قصه ما بی‌مزد و منت و با عشق برای کودکان بی‌سرپرست بهزیستی جنوب تهران هم معلم است هم پدر، همراهشان بوده؛ از ابتدایی تا دانشگاه، از حمایت در تحصیل تا همراهی در مراسم خواستگاری و نشاندن دختران بی‌سرپرست سر سفره عقد؛ «مریم حسن‌پور» دختر استاد می‌گوید: «دفتر یادداشت پدرم را که بازکنی پر است از نام و نشان دختران و پسران بی‌سرپرستی که او برای همه‌شان پدری کرده است. به تهیه جهیزیه برای دختران بی‌سرپرست و فراهم کردن بساط عروسی برای پسران هم راضی نمی‌شود و پدر معنوی آنها باقی می‌ماند، بچه‌هایشان که به دنیا می‌آیند انگار نوه خودش به دنیا آمده، با دسته‌گل به بیمارستان می‌رود و پای همه خوشی‌ها و تلخی‌های زندگی آنها می‌ماند.»

راهی که پایان ندارد

باز نشر این گفت‌وگو نگاهی دوباره بود به زندگی معلمی بزرگ که عمر پر برکت خود را صرف رشد و تعلیم و تربیت فرزندان این سرزمین کرد. وجود انسان‌هایی همچون مرحوم استاد حسن‌پور در بین قشر بی‌ادعا و ارزشمند معلمان کشورمان و ثبت جلوه‌های متعدد ایثارگری از سوی آنها گویای آن است که این راه عاشقی پایان ندارد و امید آنکه معلمان جوان کشورمان از ابتدا پیروی و الگوگیری از راه و رسم این انسان‌های بزرگ را در نظر داشته باشند.

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

شمال
قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱
شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶
آزادی ۹-۶۶۰۶۴۶۴۷ - ۶۶۰۷۴۷۹

مرکز
۳۳۱۱۲۱۹۳
۵-۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۹۰۲۵۹۹
۳۳۹۴۲۰۰۰
۳۳۱۱۸۰۵۲
۹-۳۳۱۱۲۲۹۶
۳۳۱۱۳۵۱۹
۳۳۱۱۰۲۱۰
۳۳۹۱۱۵۶۸
۳۳۱۱۹۲۳۶
۳۳۹۱۱۵۶۶
۳۳۱۱۸۰۵۷
۳۳۱۱۰۲۰۲

سند ماشین پژو ۴۰۵ مدل ۸۶ به شماره شهربانی ۳۳۷ ت ۲۳ ایران ۳۳ به نام محمد کربلایی باقر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت اتومبیل سواری پلاک ۸۹۷ ی ۵۷/ ایران-۲۱ به‌شماره موتور LF479QPB2 1708A903 97 شماره شاسی NAKSG452 8HB1 009694 بنام سمیرا نجدسیعی مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز- سند مالکیت و کارت ماشین پژو ۴۰۵ مدل ۸۵ به شماره انتظامی ایران ۷۹- ۵۵۱ د ۴۲ به شماره موتور ۱۲۴۸۵۱۹۲۸۲۶ و شماره شاسی ۲۴۲۵۸۸۷۱ بنام صفی‌اله صمدی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بوئین‌زهرا

کارت شناسایی، برگ کمپانی، برگ سبز و بیمه‌نامه سمند شماره انتظامی ۵۳۴ م ۲۷- ایران ۴۰ مدل ۸۲ شماره موتور ۲۲۹۰۸۲۰۱۹۲۶ شماره شاسی ۸۲۰۱۸۳۴ به نام محسن بذرافشان مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت یکدستگاه سراتو مدل ۹۷ به شماره انتظامی ۱۲۷ ه ۴۱- ایران ۶۶ و شماره شاسی NAS621200G1059934 مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز(سند) و کارت شناسایی موتورسیکلت مدل تیوی اس- راکس ۱۲۵ مدل ۹۳ بشماره انتظامی ۹۷۵۵۳- ایران ۱۳۷ و شماره موتور 9HSDD1011158 9 و شماره شاسی NPG***125R9311876 متعلق به اینجانب ابوالفضل آهنگ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پژو پارس ELX-XUM به شماره انتظامی ۶۸۴ ج ۹۶ ایران ۹۳ مدل ۱۳۹۴ موتور 162M0004952 شاسی NAANA1UE0FH303146 مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت(برگ سبز) خودرو سواری کار سیستم نیسان تیپ پاترول ۴ درب رنگ مشکی- نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۷۵ به شماره انتظامی ۵۷۶ ی ۴۱- ایران ۱۱ به شماره موتور P02239 92Z و شماره شاسی PNV35P420983 بنام مرتضی کاوسی‌فرد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند و برگ سبز خودرو سمند مدل ۱۳۸۳ به رنگ نقره‌ای و به شماره شهربانی ۲۷۲ ل ۲۴- ایران ۲۴ و شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۳۰۹۷۷ و شماره شاسی ۸۳۸۴۷۵۵۶ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز- سند مالکیت و کارت انتظامی ایران ۷۹- ۵۵۱ د ۴۲ به شماره موتور ۱۲۴۸۵۱۹۲۸۲۶ و شماره شاسی ۲۴۲۵۸۸۷۱ بنام صفی‌اله صمدی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بوئین‌زهرا

برگ سبز پیکان سواری مدل ۸۰ بشماره انتظامی ایران ۸۹-۸۸۳ ج ۲۴ بشماره شاسی ۸۰۴۴۶۹۰۳ بشماره موتور ۱۱۱۲۸۰۴۵۵۴۴ بنام سیداحمد حسینی‌فرد مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بوئین‌زهرا

قالیشویی مبل شویی
فقط قالیشویی
تهران نو
درشرق تهران کارخانه دارد
۷۷۴۱۳۶۰۴ ۷۷۴۷۳۶۰۴
۷۷۴۱۰۵۱۵

مفقود
بانک اطلاعاتی مهاجرت به کانادا
دیدار- دانشجوئی- بیزنس
تلفن همراه ۰۹۱۲۰۸۴۷۴۳۴
دفتر ۲۲۶۶۲۱۳۰-۰۲۱

خریدار جک و قالب‌های ساختمانی و لوله داربست
۰۹۱۲۵۹۰۱۲۳۹

فقط نقدی
بهترین خریدار و فروشنده مواد غذایی انواع برنج ایرانی و خارجی
۸۸۴۸۵۶۷۲ - ۰۹۱۲۱۱۳۹۶۹۸

کمشده پیدا شده
مدرک موقت فارغ‌التحصیلی اینجانب سارا جهاندارپور فرزند کیامرث به شماره شناسنامه ۲۵۴۲ صادره از شیراز در مقطع کارشناسی رشته مهندسی کشاورزی(گیاه‌پزشکی) صادره از واحد دانشگاهی شیراز با شماره سریال ۸۲۱۶۳۰۱۴۳۰۷۹ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز به نشانی شیراز خیابان قاآنی شمالی صندوق پستی ۷۱۳۶۵-۳۶۴ ارسال نمایند.

اینجانب احمد نیک‌پی شیخانی مالک خودرو سواری پژو آردی مدل ۱۳۸۵، به شماره انتظامی ۹۲۱ ص ۵۱ ایران ۵۶، شماره شاسی ۲۳۴۲۳۲۸۰ و شماره موتور ۱۱۷۸۵۰۲۹۲۹۶ بعلت فقدان اسناد فروش، برگ سبز، سند مالکیت، کارت مشخصات و سوخت تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکانشهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

«نوبت اول»
آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب مریم چهارمحالی فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۸۷۰۴۰۹۵۲۳ صادره از شوشتر در مقطع کاردانی رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی شوشتر با شماره- مفقود گردیده است و فاقد هرگونه اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر کد و صندوق پستی ۶۴۵۱۷۴۱۱۱۷ ارسال نماید.

برگ سبز خودرو سواری پراید جی‌تی‌ایکس آی به شماره پلاک ۲۴۳ ص ۱۸- ایران ۱۴ به رنگ سفید مدل ۱۳۸۸ و شماره موتور ۲۹۸۸۶۹۳ و شماره شاسی S1412288292351 مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کلیه مدارک اعم از (وکالتنامه فروش، برگ سبز و سند کمپانی) خودرو زانتیا مدل ۸۷ رنگ سفید به شماره شاسی: ۶۱۵۱۲۲۸۷۱۷۰۰۱۹ شماره موتور: ۲۴۲۹۸ شماره شهربانی: ۲۷۵ ب۴۳ ایران ۳۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب زهرا اعظمی فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۴۸۱۱۸ صادره از تهران مقطع کارشناسی رشته الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام خمینی(ره) با شماره ۱۴۸۸۱۳۹۰۳۸۹ مفقود گردیده فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به صندوق پستی ۱۸۱۵۵/۱۴۴ دانشگاه آزاد واحد یادگار امام خمینی(ره) ارسال نمایید.

«آگهی مفقودی»
شناسنامه مالکیت(برگ سبز) خودروی سواری پراید مدل ۱۳۹۱ به شماره انتظامی ۹۵۶ د ۲۷ ایران ۵۹ شماره موتور ۴۵۷۱۸۴۲ متعلق به اینجانب معصومه نجار فرزند کریم شماره شناسنامه یا کد ملی ۲۲۴۹۱۶۷۹۹۰ صادره از گرگان مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط است.

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

جاده قدیم قم- حسن آباد
قطعات ۱۰۰۰ متری با سند تک برگ جدید تهران
سرمایه‌گذاری مطمئن
هر قطعه ۱۰۰۰ متری
۱۷۰ میلیون تومان
۵۶۲۲۴۴۳۵
۰۹۱۲۳۹۶۸۲۶۹

حسن آباد- جاده قدیم قم
موقعیت صنعتی
۱۰۰۰۰ متر زمین با سند تک‌برگ جدید تهران
جهت کارهای مختلف، سرمایه‌گذاری مطمئن
متری ۱۵۰/۰۰۰ هزار تومان
۵۶۲۲۴۴۳۵-۰۹۱۲۳۹۶۸۲۶۹

حسن آباد- جاده قدیم قم
جنب شهرک صنعتی و گردشگری
۳۰ هزار متر زمین با سند قطعی ۶ دانگ جدید تهران
جهت کارهای مختلف و سرمایه‌گذاری مطمئن
متری ۱۰۰/۰۰۰ هزار تومان
۵۶۲۲۴۴۳۵
۰۹۱۲۳۹۶۸۲۶۹

خرید و فروش خودرو

« خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۶۶۸۰۰۷۸۹ و ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲

خریدار کامیون و سواری لیزینگی- توقیفی و فرسوده
۰۹۱۹۹۲۱۱۸۸۷-۰۹۱۲۳۵۷۳۱۲۲
۰۲۱-۵۵۲۷۴۴۳۲

خرید و فروش فیش حج - مکه

خرید و فروش ویژه
فیش حج تمتع و عمره
زیر نظر سازمان حج و زیارت
۰۹۱۲۶۹۹۳۶۰۳ - ۶۶۵۰۰۴۶۳

دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی میپذیرد

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی
بدین‌وسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن مهندسی صوتیّات ایران دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی که روز شنبه مورخه ۹۹/۰۹/۱۵ از ساعت ۱۷:۳۰ الی ۱۹:۳۰ در تهران، میدان فردوسی، خیابان ایرانشهر، شماره ۴۷، واحد ۳، دبیرخانه انجمن مهندسی صوتیات ایران، حضور بهم رسانند. دستور کار جلسه: گزارش رئیس انجمن از فعالیت‌های یکساله، ارائه گزارش امور مالی توسط خزانه‌دار انجمن و تصویب ترازنامه و اعطای مجوز برای تایید فعالیت‌های انجام شده، گزارش بازرس انجمن از پیشرفت امور انجمن، انتخاب اعضای کمیته انتخابات جهت انتخابات سال آینده، تصویب برنامه سال آینده و برنامه اجرایی، استماع پیشنهادات اعضای حال حاضر در جلسه، امکان برگزاری مجازی مجمع، تصویب کلیات برنامه راهبردی پنج ساله در مجمع، تصویب تغییرات در مواد نحوه عضوگیری و انواع عضویت‌ها در انجمن، بررسی استعفای بازرس انجمن.
هیئت مدیره انجمن مهندسی صوتیّات ایران

نام اثر از فرزندان تحت پوشش خیریه الزهرا بندر عباس
نام کودک: جیدا

تاریخ تولد: ۹۹/۷/۲۷
تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۲
نام والدین: سهیلا تورنگ
ارجاع دهنده: بیمارستان خلیج فارس

تاریخ انتشار آگهی: ۹۹/۸/۲۷
تعاونی مسکن مهر ۶ منطقه ۲۲ تهران(در حال تصفیه)
به شماره ثبت ۳۳۴۴۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۱۶۲۹۲
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت اول
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت اول که راس ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۹/۹/۱۰ در ملارد مفادشت شهرک مهر فاز ۴ مسکن مهر محل پروژه برگزار می‌گردد حضور بهم رساند. در صورتی که حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌تواند حق حضور و اعمال رای از سوی خود را به نماینده تام‌الاختیار خود واگذار نماید. در این‌صورت هیچ‌کس نمی‌تواند نمایندگی بیش از سه عضو را بپذیرد. همچنین برگه‌های نمایندگی مزبور با امضای هیئت تصفیه معتبر خواهد بود. بدین‌منظور عضو متقاضی اعطای نمایندگی باید حداکثر تا تاریخ ۹۹/۹/۹ به همراه نماینده خود و با در دست داشتن مدرک موید عضویت در تعاونی و کارت شناسایی معتبر در دفتر تعاونی حاضر شود. مصوبات مجمع عمومی در صورت رسمیت یافتن و عدم مغایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضا، اعم از حاضر و غایب نافذ و معتبر خواهد بود. کاندیداهای عضویت در سمت هیئت تصفیه حداکثر ظرف مدت یک هفته از تاریخ انتشار آگهی می‌توانند جهت تکمیل فرم ثبت‌نام به دفتر تعاونی مراجعه نمایند.
دستور جلسه: ۱- استماع گزارش هیئت تصفیه ۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص صورتهای مالی سال‌های ۹۴ لغایت۹۸، ۳- انتخاب سه نفر به عنوان هیئت تصفیه ۴- تمدید مدت تصفیه و انتخاب محل تصفیه ۵- تعیین میزان حقوق رئیس هیئت تصفیه و سرپرست کارگاه و نگهبان ۶- اتخاذ تصمیم درباره تصویب هزینه حسابرسی و حسابداری و گرفتن وکیل برای طرح دعاوی از هیئت مدیره قبلی و پیمانکاران تعاونی
هیئت تصفیه

آگهی مزایده
شرکت خوش‌طعم قم قصد فروش تعدادی از دستگاه‌های مستعمل و از رده خارج خود را دارد. متقاضیان با شماره ۰۹۱۲۳۳۳۱۲۲۴ تماس حاصل فرمایند.

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت مهر پویا تمدن(سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۶۴۵۴۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۹۸۷۱۱ (نوبت دوم)
در اجرای ماده ۲۲۵ قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت مهر پویا تمدن- در حال تصفیه(سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۶۴۵۴۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۹۸۷۱۱ که آگهی انحلال آن در صفحه ۴۲ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۱۹۵۲ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۰۷ درج گردیده است دعوت بعمل می‌آید تا ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه شرکت آقای مختار جانعلی‌پور به شماره همراه ۰۹۱۲۷۱۵۲۱۲۶ مستقر در آدرس بلوار مرزداران- کوچه نسترن- خیابان ۲۵ متری آرمایش- پلاک صفر طبقه همکف کد پستی ۱۴۶۴۷۵۷۱۶۱ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهند داشت.
مدیر تصفیه شرکت مهر پویا تمدن- مختار جانعلی‌پور

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب امیرحسین شاجری فرزند غلامعلی به شماره ملی ۰۰۱۰۶۴۹۶۹۷ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته تکنولوژی الکترونیک صادره از واحد دانشگاهی آزاد قزوین با شماره ۱۴۹۳۲۱۴۰۰۷۴۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد باراجین به نشانی قزوین دانشگاه آزاد باراجین ارسال نماید.

«آگهی مزایده تک‌مرحله‌ای»
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران
مجتمع آموزشی، پژوهشی و درمانی حضرت رسول اکرم(ص)
مجتمع آموزشی، پژوهشی و درمانی حضرت رسول اکرم(ص) در نظر دارد موضوع مشروحه ذیل را از طریق مزایده تک‌مرحله‌ای عمومی واگذار نماید. متقاضیان واجد شرایط می‌توانند با در دست داشتن معرفی‌نامه از شرکت، اسناد مربوطه را از واحد حراست واقع در آدرس ذکر شده دریافت نمایند.

ردیف	نوع	موضوع	نام واحد	مبلغ و نوع تضمین شرکت در مزایده (ریال)	مهلت توزیع اسناد	جلسه توجیهی	مهلت ارائه پیشنهاد	زمان بازگشایی پاکات
۱	مزایده عمومی یک مرحله‌ای	ساخت و بهره‌برداری از بوفه مجتمع	مجتمع آموزشی پژوهشی درمانی حضرت رسول اکرم(ص)	۹۶/۸۰۰/۰۰۰ ضمانتنامه معتبر بانکی	از روز سه‌شنبه ۱۳۹۹/۰۸/۲۷ لغایت روز پنجشنبه ۱۳۹۹/۰۸/۲۹ (ساعت ۸ الی ۱۴:۳۰ روزهای اداری)	روز یکشنبه ۱۳۹۹/۰۹/۰۲	از روز شنبه ۱۳۹۹/۰۹/۰۱ ل